تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)
دورهٔ ۱۶، شمارهٔ ۵۹، بهار ۱۴۰۳، صص۶۶-۹۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۵
(مقالهٔ پژوهشی)
DOI:

نقش‌آفرینی حیوانات در منظومه‌های عاشقانه (بر اساس یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی)

مریم جعفرزاده[۱]، دکتر امیرحسین مدنی[۲]

چکیده

منظومه‌های عاشقانه بسط‌یافتهٔ شعر غنایی است که مفاهیم عاشقانه در آن باز و گسترده شده، در قالب داستانی کمال می‌یابد. یکی از عناصر مهم در این داستان‌ها، حیوانات هستند که نقش‌های متفاوتی را به عهده دارند. گاه این نقش‌ها اصلی و سرنوشت‌ساز و گاه فرعی و پیش‌برندهٔ حوادث‌اند. شاعران و نویسندگان منظومه‌ها به مناسبت‌های مختلف، برای پروراندن متن خود از حیوانات یاد کرده و نقش‌های متنوعی برای آنان در نظر گرفته‌اند. هدف این پژوهش، بیان نقش‌های حیوانات به عنوان یکی از عناصر و بن‌مایه‌ها در منظومه‌های عاشقانه است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام‌شده، می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که: حیوانات در منظومه‌های عاشقانه چه نقش‌هایی دارند؟ محدودهٔ مطالعاتی در این مقاله، کتاب «یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی» است. این کتاب، شامل صد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی است که به نثر درآمده است. نتایج به دست آمده نشان‌می‌دهد به جز نقش‌های بلاغی که شامل تشبیه، استعاره، نماد و ... می‌شود؛ نقش‌های ابزاری، پیام‌رسانی، میانجی‌گری، عاطفی، پیش‌گویی و غیب‌گویی، پزشکی، یاریگری، خواب و تعبیر، قصّه‌گویی، اسطوره‌ای، جادویی، مانع، پیش‌برنده و سبب و عامل مرگ، از جمله نقش‌هایی است که برای حیوانات در منظومه‌های عاشقانه ذکر شده‌است. این پژوهش می‌تواند الگوی مناسبی برای طبقه‌بندی عناصر داستان‌های عاشقانه ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات غنایی، منظومه‌های عاشقانه، یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی، نقش‌آفرینی حیوانات.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

[۱]. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسندهٔ مسؤول).
jafarzadeh@grad.kahsanu.ac.ir
[۲]. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
m.madani@kashanu.ac.ir

مقدمه

در ادبیات فارسی حکایات و داستان‌های بسیاری وجود دارد که شخصیت‌های آن حیوانات هستند. بهرهٔ شاعران و نویسندگان از حیوانات در آثار خویش ضمن ایجاد فضای تازه، جذابیّت خاصی به اثر می‌بخشد و انتقال مفاهیم را راحت‌تر می‌سازد. همچنین در متون فارسی گاه به منظور آموزش و یا با هدف انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان از حیوانات استفاده شده است.

استفادهٔ گسترده‌تر از حیوانات گاه منجر به خلق آثاری چون «کلیله و دمنه» و «منطق‌الطیر» شده که در ادبیات تعلیمی و عرفانی بی‌نظیر هستند. در ادبیات غنایی به‌ویژه در غزل، شاعران گاه در تصویرپردازی‌های خویش از حیوانات نام برده، و تشبیهات و استعارات زیبایی خلق کرده‌اند. این در حالی است که در داستان‌های عاشقانه از حیوان، به عنوان یکی از عناصر و شخصیت‌های داستانی نیز یاد می‌شود. شخصیت‌هایی که در کنار شخصیت‌های انسانی داستان، نقش‌آفرین بوده‌اند. این پژوهش با هدف بیان نقش‌های حیوانات به روش توصیفی-تحلیلی، می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که: حیوانات در منظومه‌های عاشقانه چه نقش‌هایی به عهده دارند؟

پیشینهٔ تحقیق

اگرچه در زمینهٔ حیوانات پژوهش‌های بسیاری انجام شده؛ امّا تاکنون تحقیقی که به بررسی نقش جانوران در ادبیات فارسی پرداخته باشد، دیده نشد. آنچه یافت شد، بیشتر در زمینهٔ موارد مختلف نقش بلاغی است که در ذیل به برخی اشاره می‌گردد:

«فرهنگ‌نامهٔ جانوران در ادب فارسی» (۱۳۸۱)، نام کتابی است که منیژه عبداللّهی در آن به معرفی جانوران بر پایهٔ واژه‌شناسی، اساطیر، باورها، زیبایی‌شناسی و ... می‌پردازد. فلسفی‌نژاد در «نقش تمثیلی حیوانات در آثار برجستهٔ ادبیات فارسی» (۱۳۹٤)، چنانچه از عنوان کتاب برمی‌آید، تنها به نقش تمثیلی حیوانات پرداخته است.

مقالاتی نیز در این زمینه چاپ شده‌است که به برخی اشاره می‌شود:

طاهری عبده‌وند و صفری در مقاله «بررسی نمود برخی حیوانات و پرندگان در شعر ناصرخسرو» (۱۳۹۱)، به نقش بلاغی همچون تشبیه، نماد و استعاره توجّه کرده‌اند. محمودی و الیاسی در مقالهٔ «نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب‌المجالس» (۱۳۹٦)، نقش‌های رمزی

حیوانات و معانی سمبلک آن‌ها را در کتاب طرب‌المجالس بیان کرده‌اند؛ این مقاله نیز به نقش رمزی و نمادین حیوانات نظردارد.

زنگانه و مهرکی در پژوهش «خاقانی و باورهای عامیانه دربارهٔ جانوران» (۱۳۹۹) باورهای عامیانهٔ دربارهٔ جانوران را در پنج دستهٔ چشم‌زخم، تعویذها، فالگیری و پیشگویی، سحر و جادو، و پری تقسیم‌کرده و تبیین می‌نمایند.

پژوهش پیش‌رو از آن جهت که به جز نقش بلاغی حیوانات به سایر نقش‌های آن‌ها توجّه دارد، تازگی دارد.

روش تحقیق

برای انجام این پژوهش، کتاب یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی به روش کتابخانه‌ای مطالعه شد و مواردی که حیوانات نقش‌آفرین بودند، استخراج گردید. سپس فیش‌ها بررسی و در کارکردها و نقش‌های مختلف دسته‌بندی شد. پس از آن به روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل نمونه‌ها پرداخته‌شد.

مبانی تحقیق

ادبیات غنایی

یکی از انواع ادبی، شعر غنایی است.غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش است و اصطلاح «غنایی» را معمولا به دو صورت بیان کرده‌اند: «۱. شعر کوتاهی که بیانگر اندیشه‌ها و احساسات شخصی شاعر است. ۲. اثری که سروده‌شده است تا از آن آواز و ترانه‌ای ساخته شود» (بروستر، ۱۳۹۵: ٦). این دو تعریف، به‌ترتیب به شعر غنایی شخصی یا من فردی و شعر غنایی اجتماعی و یا من اجتماعی تأکیددارند. به تعبیر بروستر یکی بر ماهیت فردی گونهٔ غنایی تاکید می‌کند و دیگری به ویژگی چندفاعلی شعر غنایی (ر.ک: همان). بروستر می‌افزاید: «بر اساس این نظریه، آثار غنایی به واسطهٔ احساساتی اوج‌گرفته و عواطفی اصیل و واقعی به‌وجود می‌آیند که به صورت نوعی آگاهی معمولاً کوتاه که در یک لحظه نیروگرفته‌اند، به‌ظهور می‌رسند»(همان). «رستگار فسایی شعر غنایی را شعری می‌داند که شاعر در آن خویشتن خویش را موضوع قرار می‌دهد»(رستگار فسایی،۱۳۸۰: ۱٤۲) و «شعر غنایی، گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر بوده؛ به عشق، دوستی، رنج‌ها، نامرادی‌ها و هرچه روح آدمی را متأثر می‌کند، با شور و حرارات می‌پردازد»(رزمجو، ۱۳۷٤: ٦٤). در حقیقت در این نوع شعر، «زبان،

کارکردی عاطفی دارد و شاعر با نگاهی عاطفی به جهان می‌نگرد و به ادراکات و احساسات خود، رنگ فلسفی، روانشناسیک و جامعه‌شناسیک می‌دهد. از میان سه عنصر شعر، اندیشه و خیال و احساس، عنصر احساس مهم‌ترین جایگاه را در ساختار شعر غنایی دارد»(انوشه، ۱۳۸۱: ۸۹۳). «در شعر فارسی، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بثّ الشّکوی، گلایه و تغزّل در قالب‌های غزل، رباعی، مثنوی و حتّی قصیده مطرح می‌شود»(شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۱۹). برخی از این قالب‌ها در ادب غنایی جلوهٔ بیشتری دارند چنانکه به اعتقاد رستگار فسایی «غزل و داستان‌های عاشقانه در ادب ما دو جلوهٔ مهم از شعر غنایی هستند که یکی احساسات مختلف شاعر را در برابر مسائل جهان در قالب و صورتی کوتاه منعکس می‌کند و دیگری در داستان‌های عاشقانه(چه شخصی، چه الهی و غیر شخصی) که محدودهٔ وسیع‌تری دارد» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۵۲-۱۵۱).

منظومه‌های عاشقانه

از شایعترین گونه‌های شعر غنایی، داستان‌های عاشقانه است که موضوعات و محتویات شعر غنایی را در خود جای داده است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۹). ذوالفقاری منظومه‌های عاشقانه را بسط‌یافتهٔ شعر غنایی می‌داند و استدلال می‌کند که در غزل، مفهوم عشق به اشارتی بیان می‌شود؛ امّا در منظومهٔ عاشقانه همان مضمون باز و گسترده شده، در قالب داستانی کمال می‌یابد (ر.ک: همان). داستان‌های عاشقانه، ساختار کلی تقریباً یکسانی دارند که عبارت است از: «عاشق شدن دو یا چند نفر بر یکدیگر و تلاش خستگی‌ناپذیر برای دست یافتن به وصال و استقبال از خطرات و پشت سر گذاشتن مسائل و موانع مختلف و سرانجام، رسیدن یا نرسیدن به هدف»(باباصفری، ۱۳۹۲: مقدمه۱۱). این داستان‌ها خصایص و بن‌مایه های مشترکی دارند. به تعبیر ذوالفقاری بن‌مایه‌ها، مقولات ساختاری-معنایی ذی‌نقش در داستان را همچون اشخاص، حوادث، اشیاء، مفاهیم و ... دربرمی‌گیرند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۷۷).

«**یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی**»: «یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی» عنوان کتابی است از حسن ذوالفقاری. در این کتاب فهرستی از منظومه‌های عاشقانه -که قریب ششصد داستان است– آمده است. از بین این ششصد منظومه هفتاد درصد به نظم و سی درصد از آن‌ها به نثر است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۷-۴۷). ذوالفقاری در این کتاب صد داستان عاشقانه را به نثر

آورده و برای هر یک تحلیل می‌آورد. محدوده مطالعاتی در این مقاله، کتاب «یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی» است.

نقش‌آفرینی حیوانات

یکی از شخصیت‌های مهم، در داستان‌های عاشقانه حیوانات هستند. به اعتقاد ذاکری «جانوران همین که وارد حوزه‌های انسانی می‌شدند، نماد و نشانهٔ یک شخصیت می‌گردیدند. آن‌چه بین مردم در مورد حیوانات رایج بود، از فرهنگ عامه، اعتقادات دینی، تجارب شخصی، شکل و ظاهر حیوانات، نحوهٔ زیست آنان و همهٔ اطلاعاتی که بشر در مورد آن‌ها داشت، در شکل‌دهی به شخصیت داستانی حیوانات مؤثر بود»(ذاکری، ۱۳۸۹: ۳٤). از این‌روی در منظومه‌های عاشقانه حیوانات نقش‌های متفاوتی را به عهده دارند. گاه این نقش‌ها اصلی و سرنوشت‌سازند و گاه فرعی‌اند و پیش‌برندهٔ حوادث.

بحث

از دیرباز، تصاویر حیوانات در متون ادبی دیده‌شده‌است. این تصاویر حتّی در متون دینی قابل‌مشاهده‌است؛ چنانکه در قرآن از حیوانات بسیاری نام برده شده و کارکرد مختلف آن‌ها بیان‌شده است. در داستان هابیل و قابیل، کلاغی را می‌بینیم که نقش ارشادی و تعلیمی دارد و شیوهٔ خاکسپاری را به قابیل می‌آموزد (ر.ک: سوره مائده: ۳۱) و در داستان اصحاب کهف، سگی با آنان همراه‌می‌شود و نقش همراهی را ایفامی‌کند (ر.ک: سورهٔ کهف: ۲۲). در داستان اصحاب فیل، پرندگانی در نقش منجی ظاهر می‌شوند و اصحاب فیل را از بین می‌برند (ر.ک: سورهٔ فیل: ٤-۳). در داستان حضرت سلیمان، هدهد به عنوان راهنما و نامه‌رسان ظاهرمی‌شود (ر.ک: سورهٔ نمل: ۳۰-۲۸). حیوانات به عنوان یکی از عناصر داستان‌های عاشقانه نیز نقش‌های متفاوتی را به عهده داشته‌اند. این مقاله ضمن اشاره‌ای مختصر به نقش بلاغی حیوانات، به بررسی نقش حیوانات در منظومه‌های عاشقانه می‌پردازد.

نقش بلاغی

شعرا پیوسته از عناصر جهان بیرونی در خلق مضامین شعری بهره‌برده و با ترفندهای ادبی به تصویرسازی و زیباسازی سخن پرداخته‌اند. یکی از عناصر جهان بیرونی، حیوانات است که حجم درخور توجهی از تشبیهات، استعارات، تمثیل‌ها، مجازها و حتی کنایات را دربردارد. شاعران در منظومه‌های عاشقانه گاه زیبایی‌های معشوق را به حیوانات و یا حتّی اجزای

حیوانات شبیه دانسته، تشبیه و استعاره به‌کاربرده‌اند؛ در اینجا برای نمونه، به ذکر چند مورد از کتاب یکصد منظومهٔ عاشقانه بسنده می‌کنیم؛ چراکه بررسی این نقش در هر یک از منظومه‌ها، تحقیقی جداگانه می‌طلبد:

در بیت زیر چشم سلامان به آهوی مردم شکار تشبیه شده است:

چشم مستش آهوی مردم شکار　　جلوه‌گاهش در میان لاله‌زار

(ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۰۲)

نظامی در وصف زیبایی لیلی می‌گوید:

آهو چشمی که هر زمانی　　کشتی به کرشمه‌ای جهانی

(همان: ۷۰۱)

غزال در بیت زیر از منظومهٔ زهره و منوچهر، استعاره از معشوق است:

عشق نهم در وی و زارش کنم　　طرفه غزالی است شکارش کنم

(همان: ۴۱۰)

در بیت زیر از گل و نوروز، خال گونهٔ گل به زاغ تشبیه شده است:

قدش شمشاد و بر شمشاد باغی　　خدش گلنار و بر گلنار زاغی

(همان: ۶۷۴)

به جز نقش‌های تشبیه و استعاره، نقش نماد نیز قابل ملاحظه‌است. هم‌چنانکه رمز و نماد بیشتر در زبان عرفان به‌کارمی‌رود و «عنصر غالب (dominant) در شعر عرفانی فارسی، نمادین بودن آن است و تقریباً همه مفاهیم و مصادیق عرفانی به گونه‌ای است که زبان سمبلیک می‌طلبد»(زرقانی، به نقل از محمدخانی و فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۳۴)، به‌نظرمی‌رسد نقش نمادین حیوانات در منظومه‌های عاشقانه نیز بیشتر در زمینهٔ عاشقانه‌هایی است که پیام عرفانی آن‌ها غالب است. چنانکه در منظومه تمثیلی ذره و خورشید، شب‌پره نماد کوردلانی است که تاب دیدن نور حقیقت را ندارند و مستعد آن نیستند. خفّاش مشتاق نور و نماد عاشق است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۶۳) نظیر این منظومه، منظومه آذر و سمندر است که سمندر، رمز عاشق است (ر.ک: همان: ۱۰۹). در داستان شمع و پروانه، پروانه یکی از عشّاق معرّفی‌می‌شود که در طلب شمع است و می‌تواند نماد آن باشد. چنانکه ذوالفقاری منظومه شمع و پروانه را بسط‌یافتهٔ دو نماد شمع و پروانه در غزل عاشقانهٔ فارسی می‌داند (ر.ک: همان: ۵۷۱). در داستان گل و

بلبل، بلبل نماد کسی است که شراب معنی نوشیده و دیگران به او حسد می‌ورزند. نیز طوطی، طاووس، موش‌خوار و هدهد، نماد پرندگان و افرادی هستند که به مقام ظاهر توجّه‌دارند. برای نمونه، هدهد علم را برتر از عشق می‌داند و از بلبل سوالاتی فلسفی می‌پرسد (ر.ک: همان: ٦٦٥-٦٦٢). به اعتقاد ذوالفقاری بلبل تمثیلی از خود شاعر است، شاهین و طوطی تمثیلی از شاعران مدیحه‌سرا، لاشخور نماد کهنه‌پرستی و هدهد مظهر شیخ عارف است (ر.ک: همان: ٦٦٥).

نقش ابزاری

یکی از نقش‌های حیوان در گذر تاریخ، نقش ابزاری است. اساساً، آن‌گونه که در قرآن کریم آمده (سورهٔ نحل: ۵ و ٦)، یکی از اهداف آفرینش حیوان همین نقش، یعنی به‌گونه‌ای منفعت‌رسانی و خدمتگزاری به انسان است. در قابوسنامه آمده‌است: «حکیمان گفته‌اند که جهان به مردمان به پای است و مردم به حیوان»(عنصر المعالی، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

اسب، فیل و شتر از جمله حیواناتی هستند که در جنگ، شکار، حمل بار و... مورد بهره‌قرارگرفته و حتّی گاه جهت هدیه دادن از آن‌ها نام برده‌شده‌است. در برخی منظومه‌ها هر یک از عاشق و معشوق، حیواناتی خاصّ خود دارند که از آن، بیشتر برای شرکت در جنگ و شکار استفاده می‌کردند. به‌عنوان نمونه، اسب از حیواناتی است که برای رفتن به شکار بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفت. اسب خسرو در داستان خسرو و شیرین با نام خاصّ «شبدیز» معرفی می‌گردد (ر.ک: ذوالفقاری،۱۳۹۲: ۲۷۷). در داستان سام و پری‌دخت، «غراب» نام مرکبی است که منوچهرشاه به فرزندش سام می‌بخشد و سام با غراب به شکار می‌رود (ر.ک: همان: ٤۳۰) و یا منوچهر در داستان زهره و منوچهر، از اسب برای رفتن به شکار بهره می‌برد (ر.ک: همان: ٤۱۰). در برخی داستان‌ها برای فرار، از اسب که مرکبی تندرو بود، استفاده می‌کردند؛ مثلا در داستان حسینا و دلارام، حسینا از ترس برادران دلارام سوار بر اسب می‌گریزد (ر.ک: همان: ۲٤۸). در همای و همایون، شتر برای حمل بار استفاده می‌شود؛ چنانکه همای و پریزاد، با هزاران شتر گنج و گوهر راهی چین می شوند (ر.ک: همان: ۱۰٦۲) و نیز در یوسف و زلیخا، یوسف دوازده شتر خواربار به برادران می‌سپارد (ر.ک: همان: ۱۱۰٤). گاه برای هدیه و مژدگانی از حیوانات نام برده شده‌است؛ چنانکه در داستان طالب و زهره، زهره به سبزعلی پیشنهاد می‌دهد اگر طالب را به نزدش آورد، صدگاو ماده و صد گوسفند هدیه خواهد گرفت (ر.ک:

همان: ۶۰۳).گاه حیوانات، ابزاری برای نمایش قدرت هستند. در برخی داستان‌ها در پی حوادثی که برای قهرمان یا عاشق پیش‌می‌آید، دلاوری و شجاعت فرد ضمن مبارزه با حیوان به نمایش‌گذاشته‌می‌شود. چنانچه «شیرکشی پهلوان، بن مایه‌ای است که از دوران آشور نزیرپال دوم تا شاهان ساسانی تکرار شده است»(پرادا، به نقل از قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

در داستان بهرام و گل‌اندام، بهرام در شکارگاه تصمیم می‌گیرد با شیری قوی که هیچ کس یارای برابری با او را ندارد، به جنگ رود. او به شیر حمله می‌کند و شیر را چنان بر زمین می‌زند که در لحظه جان‌می‌دهد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۵۵). در همای و گل‌اندام، همای شیری را می‌کشد و به دنبال آن، ده شیر جنگی دیگر را هلاک‌می‌کند (ر.ک: همان: ۱۰۷۱). در داستان بیژن و منیژه، هنگامی که مردم از حمله گرازان به مزارع خود نزد شاه شکایت می‌کنند، بیژن داوطلب می‌شود با گرازان مبارزه کند (ر.ک: همان: ۱۶۴). گاه این جلب توجه و هنرنمایی، در مقابل معشوق صورت می‌گیرد؛ در هفت پیکر، بهرام، شیری را که بر گوری جسته، به همراه گور شکار می‌کند (ر.ک: همان: ۱۰۰۰). در هشت بهشت، بهرام، به درخواست دلارام، شاخ آهوی نر را بر فرق آهوی ماده می‌نشاند (ر.ک: همان: ۹۵۵).

نقش پیام‌رسانی

پیام‌رسانی از دیگر نقش‌هایی است که شاعران منظومه‌های عاشقانه به حیوانات داده‌اند. در داستان سلیمان نبی، هدهد پیام سلیمان را در قالب نامه برای بلقیس می‌برد؛ چنانکه در قرآن (نمل: ۲۸) به آن اشاره شده‌است. در منظومهٔ سلیمان و بلقیس نیز هدهد پیام‌رسان هدهد است. همچنین در منظومهٔ رتن و پدومات، زاغ پیام مادر رتن را برای او می‌آورد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۹۶). چنانکه در برخی اسطوره‌ها نیز کلاغ همچون منادی و مبشّر است و پیام پروردگار را همو به میترا می‌رساند (ر.ک: باوری،۱۳۹۲: ۸۰). جابز، کلاغ را سمبل پیش‌آگاهی و علم غیب، حیله‌گری، دزدی، دو به هم زنی، سخن چینی، سرعت و همه چیزخواری می‌داند (ر.ک: جابز، ۱۳۹۵: ۶۵).

گاه برگشت اسب به تنهایی و یا اسب خونین به گونه‌ای، آورندهٔ پیامی ناخوشایند دربارهٔ صاحب خود است؛ چنانکه در داستان باقر و گل‌اندام، گل‌اندام با دیدن اسب خونین متوجهٔ مرگ باقر می‌شود:

الا اســـــب ســـــفید دم بریـــــده مگـــر بـــاقر ســـوار تـــو نبـــوده

خبـــر بـــر مـــادر پیـــرش رســـانید کـــدام نـــاکس ســـر بـــاقر بریـــده
(ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۲)

در داستان شاه و درویش، درویش ضمن نوشتن نامه‌ای بر بال کبوتر، از جور رقیب شکایت می‌کند (ر.ک: همان: ۵۵۱). در داستان نل و دمن، مرغ در قبال آزادی‌اش، نامه‌رسان بین او و معشوقش می‌شود (ر.ک: همان: ۸۷۷). چنانکه مشاهده‌گردید در منظومه‌های عاشقانه به جز اسب، پرندگانی چون: هدهد، زاغ، کبوتر و مرغ نقش پیام‌رسانی داشته‌اند.

نقش میانجی‌گری

یکی از شخصیّت‌های مؤثّر در منظومه‌ها، شخصیت واسطه یا میانجی است که خویشکاری اصلی «واسطه‌گری» را به عهده دارد. واسطه یا میانجی، شخص یا اشخاصی هستند که کار اصلی آن‌ها ایجاد آشنایی میان عشّاق و یا رساندن پیام آن‌ها به یکدیگر و یا تلاش برای رساندن آن‌ها به یکدیگر است. ذوالفقاری وجود این اشخاص را برای رسیدن مقطعی یا نهایی عشّاق به یکدیگر ضروری می داند (ر.ک: همان: ۹۲).

در منظومه‌های عاشقانه، حیوانات گاه با فراهم‌کردن اسباب آشنایی، نقش واسطه‌گری دارند؛ مثلا در داستان «اصلی و کرم» هنگامی که محمود، در پی شاهین خود به باغ می‌رود، او را بر شانه دختری زیبا می‌بیند. نگاه محمود و دختر در هم گره می خورد و دلدادگی پیش‌می‌آید (ر.ک: همان: ۱۱٤). به‌نظرمی‌رسد شاهین، به‌گونه‌ای واسطهٔ آشنایی عاشق و معشوق بوده‌است. در داستان لاس و خزال، لاس در پی شکار آهویی به خیمه‌گاه خزال می‌رسد (ر.ک: همان: ٦۹۹). در داستان همای و گل کامکار، گل‌کامکار با شنیدن شیههٔ اسب همای به بام می‌آید و همای را می‌بیند و مفتون او می‌شود (ر.ک: همان: ۱۰٦۹). در واقع اسب با شیههٔ خود زمینهٔ آشنایی همای و گل‌کامکار را فراهم می‌کند. بر این اساس حرکت حیوانات، هدفمند و برای آفرینش حادثهٔ تازه‌ای چون آشنایی اولیه در داستان رخ‌می‌دهد.

نقش عاطفی

نیاز به انیس و مونس و هم‌صحبت برای انسان امری قطعی است. این امر در باب عاشق و معشوق مشخص‌تر و پررنگ‌تر است. اینان نیازمند گوشی‌اند که درد دل عاشق و غم فراق محبوب را بشنود و البته زبان افشای راز هم نداشته‌باشد. در منظومه‌های عاشقانه، حیوانات از جمله اشخاصی اند که در نقش همدم و همنشین ظاهرمی‌شوند:

در منظومهٔ جمشید و خورشید، هنگامی که جمشید از شدت اندوه سر به کوه و بیابان می‌گذارد، با وحشیان آرام می‌گیرد و با کبوتری راز دل می‌گوید(همان: ۲۰۱). در داستان رتن و پدومات، طوطی‌ای را به پدومات می‌دهند که سخنوری آموزد، طوطی با پدومات دوست می‌شود (ر.ک: همان: ۳۹۵). در داستان نل و دمن ، نل مرغی به دام می‌اندازد و او را همدم خود می‌سازد. مرغ نیز چون ناله نل را می‌بیند، به سخن درمی‌آید و خود را شریک او می‌داند؛ زیرا او نیز از جفتش جدا افتاده‌است (ر.ک: همان: ۸۷۷).

پناه‌بردن حیوانات به عاشق نیز از جمله موارد عاطفی است که در این داستان‌ها به آن اشاره شده‌است. برای نمونه، در داستان اصلی و کرم آهویی زخمی به عاشق پناه می‌برد (ر.ک: همان: ۱۱۵). یا به گونه‌ای دیگر، در منظومه لیلی و مجنون، شکارچی به درخواست مجنون، آهوی دربند را در قبال گرفتن اسب مجنون، آزاد می‌کند و نیز مجنون، گوزن‌هایی را که در دام اسیرند، آزاد می‌کند (ر.ک: همان: ۷۰۳).

صحبت و رازدل گفتن، بیشتر در ارتباط با پرندگان دیده می‌شود و البته گاه ماهی‌ها نیز مورد خطاب قرارمی‌گیرند: در داستان طالب و زهره، روزی که طالب خسته و دلتنگ است، کبوتری را بر درخت می‌بیند و به شعر با او صحبت می‌کند (ر.ک: همان: ۶۰۲). در همین داستان، زهره به رودخانه می‌رود و با ماهی‌ها حرف‌می‌زند (ر.ک: همان: ۶۰۳). در داستان عزیز و نگار، عزیز با دو دارکوب و کبکان درد دل می‌کند (ر.ک: همان: ۶۱۴).

نقش پیش‌گویی و غیب‌گویی

رفتار پرندگان و حیوانات یکی از عوامل پیش‌گویی به‌حساب‌می‌آمد و به عنوان مثال، صدای زاغ را نماد بدشگونی می‌دانستند. نیز مطابق اساطیر بین النهرینی، یکی از روش‌های متداول کار جن‌گیران و پیش‌گویان، رفتار پرندگان و سایر حیوانات به خصوص در اطراف دروازه شهر یا درون محوطهٔ معبد بود (ر.ک: مک کال، ۱۳۷۹: ۳۸).

در داستان خرّم و زیبا، مرغان، مرگ شاه را پیش‌گویی می‌کنند. خرم، صحبت مرغان را می‌شنود که می‌گویند شاه به زودی توسط همسرش کشته می‌شود (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷۰) گاه این پیش‌گویی در عالم خواب اتفاق می‌افتد: در داستان گل و نوروز، نوروز دو مرغ سبز را در خواب می‌بیند که سرنوشت او را بیان‌می‌کنند و می‌گویند نوروز هوای یاری را درسردارد و سرانجام به آرزوی خود خواهدرسید (ر.ک: همان: ۶۷۵). همچنین نوروز دو بلبل

را در خواب می‌بیند که با هم سخن می‌گویند و یکی به دیگری می‌گوید افسوس که امشب بر گل کمین گشوده‌اند و توفان‌جادو قصد ربودن گل را دارد (ر.ک: همان: ٦٧٨).

در داستان طالب و زهره، روزی زهره درحالی‌که کنار دریا نشسته، احوال طالب را از کبوتری، می‌پرسد. کبوتر به او خبر می‌دهد که ماهی دریا طالب را خورده است. زهره قلابی را به دریا می‌اندازد و با صید شاه‌ماهی و پرکردن دهانش از زر و سیم، خبر طالب را از او می‌گیرد. شاه‌ماهی می‌گوید که طالب را میان هندیان دیده که لباسی سفید به تن داشته و شالی به کمر بسته‌است (ر.ک: همان: ٦٠٣).

نقش پزشکی

انسان در طول تاریخ برای درمان بیماری‌ها از طبیعت، داروهای گیاهی و حیوانی استفاده‌های فراوان کرده‌است؛ چنانکه «روزگاری آدمیان، درمان بیماری‌های روحی و روانی خود را از طبیعت می‌گرفتند و در این میان، از اعضا و جوارح و فضولات حیوانات، اعم از پرندگان و خزندگان و حشرات و ... هم سود می‌بردند» (بیگ باباپور، ۱۳۹۷: ۸). برای نمونه و به اعتقاد بوکور، پیکر مار را که به داشتن خواصّ حیاتی شهرت دارد، داروی درمان‌بخش هرگونه بیماری و ناخوشی، می‌پنداشته‌اند و در قرون وسطی باور داشتند که هر بخش از پیکر مار، درمان بخش بیماری مشخصی است (ر.ک: بوکور، ١٣٧٦: ٦٧). نقش پزشکی حیوان تنها در یک مورد دیده شد: در منظومه خرّم و زیبا، مرتاضی برای مداوای خرّم توصیه می‌کند که استخوان سینهٔ ماری را بجوشانند و در چشم و گوش خرّم بچکانند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷۰).

نقش یاریگری

حیوانات، گاه به شیوهٔ مستقیم یا غیرمستقیم نقش یاریگری را به عهده دارند. «یاریگر کسی است که کنشگررا برای رسیدن به هدف یاری می‌دهد»(مختاری، ۱۳۹۷: ٧٤). و گاه با عمل راهنما ظاهر می شود: در خسرونامه، خسرو به دنبال شکار در بیابانی دچار تشنگی می‌شود و با دیدن کبکان به چشمه‌ساری خرم می‌رسد. کبکان در حقیقت، راهنمایانی‌اند که خسرو را به آب می‌رسانند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۳). در داستان راغب و مرغوب، بهرام شاه به دنبال درویشی می‌رود که از دیدگان او پنهان شده است و به مرغزاری می‌رسد و در آنجا به اشارهٔ بوزینه‌ای، درویش را می‌یابد (ر.ک: همان: ۳۷۱). در داستان فیروز و نسرین، ندیم خاصّ فیروز هنگامی که فیروز را نمی‌یابد، پی اسب فیروز را می‌گیرد تا به باغی می‌رسد که فیروز در

آنجاست (ر.ک: همان: ٦٤٣). در اینجا اسب، غیرمستقیم به یاری ندیم فیروز می‌آید. در داستان فیروز و شهناز، هنگامی که شاه عباس، قصد شکار دارد، باز او حرکت‌کرده، روی شانهٔ فیروز می‌نشیند و بدین‌گونه، شاه عباس و سپاهیان به دنبال باز به جوان می‌رسند (ر.ک: همان: ٦٣٩). در داستان ناز و نیاز هم، ناز با شنیدن صدای دسته‌ای از پرندگان به سمت آنان می‌رود و نیاز را در آنجا می‌یابد (ر.ک: همان: ٨٤٩). در هر یک از این موارد، حیوان گاه با اشاره یا نشانه ای از خود و یا با ایجاد صدا، فرد را متوجّه موضوع می‌کند؛ اما گاه حیوان به سخن می‌آید، مانند موارد ذیل:

نل پس از ترک دمن، ماری را می‌بیند که گرفتار آتش شده‌است. مار به نل، قول کمک‌می‌دهد؛ اما وقتی نل، مار را از آتش نجات می‌دهد، مار، او را نیش‌می‌زند. با نیش مار، روی نل سیاه می‌شود. مار به نل می‌گوید که این سیاهی برای فریب دیگران است و روزی در لباس پریان او را نجات‌می‌دهد. مار پس از آن ضمن راهنمایی نل، مقداری از پوست خود به نل می‌دهد که هنگام نیاز در آتش افکند و مار را فراخواند تا مشکلش را حل کند... (ر.ک: همان: ۸۷۹).

هم‌چنین گاه، حیوان یاریگر به اذن خدا زبان می‌گشاید و با کشف حقیقت یا خبررسانی ظاهر می‌شود: در داستان یوسف و زلیخا، هنگامی که برادران از روی ناچاری گرگی خون آلوده را می‌یابند و نزد پدر می‌برند، یعقوب با گرگ سخن‌می‌گوید و از او می‌پرسد چرا فرزندش را خورده است؟ گرگ به فرمان الهی زبان بر می‌گشاید و پاسخ می‌دهد:

خداوند کرده است بر ما حرام تن پاک پیغمبران، والسلام
چو در گوسفندت همی‌منگرم دل و دیده و جانت را چون خورم؟
(ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۱۰۰)

در هفت منظر نیز طوطی‌ای با نقش یاریگری ظاهر می‌شود. حرزی به خواجه می‌دهد و چون خواجه حرز را می‌خواند و در آب چشمه می‌دمد، بر احوال خویش ازجمله اینکه دختر شاه چین را به همسری می‌گیرد، واقف‌می‌شود (ر.ک: همان: ۱۰٤۷).

خواب و تعبیر

«خواب اساساً عامل قطع از دنیای مادّی و پرواز روح به عالم ماورای طبیعی است و قهرمان در این پرواز، به آرزوهای نایافته دست‌می‌یابد. خواب، متضمن بشارت به آینده است؛ آینده‌ای خوش یا توأم با نحوست و زشتی»(همان: ۹٤) و در شمار قدرت‌های فراطبیعی است که غالباً

منجر به ایجاد واقعیّتی در عالم بیداری می‌گردد (ر.ک: زمردی،۱۳۸۵: ۳۸٦). در داستان گل و نوروز، نوروز دو مرغ سبز را در خواب می‌بیند که سرنوشت او را بیان می‌کنند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ٦۷۵) و در پایان، بلبلی سخنگوی را در خواب می‌بیند که جایگاه توفان‌جادو را به او می‌گوید (ر.ک: همان: ٦۹۱). در داستان لاس و خزال، خزال خواب می‌بیند عقابی با یک بال سیاه و یک بال سفید، لاس را در چنگال خود اسیر کرده‌است (ر.ک: همان: ٦۹۹). تعبیر عقاب، شالی‌بیگ است که در جنگ در کمین لاس بوده، با تیری پهلوی او را می شکافد. در داستان سیاوش و سودابه، افراسیاب در خواب، بیابانی خشک و پر از مار می‌بیند که در آن سراپرده‌ای دارد و بادی درفش او را سرنگون کرده‌است. یکی از موبدان خوابش را چنین تعبیر می‌کند که اگر با سیاوش بجنگد، کسی از ترکان زنده نمی‌ماند و اگر سیاوش کشته شود، به انتقام او جهان پرآشوب می‌شود (ر.ک: همان: ۵۲۳). تقابل نیروهای ایزدی(عقاب، باز) و نیروهای اهریمنی(مار)، نمودار جهان‌شمولی است که طیّ به تصویر کشیدن عقابی که ماری را به چنگال دارد، پیکار قدرت‌های آسمانی با قوای دوزخی را در تضادّ خیر و شر نشان می‌دهد(بوکور،۱۳۷٦: ۵۸). امام صادق(ع) بیابان را بر چهار وجه قسمت و روزی، تحیّر و سرگشتگی، عنا و رنج و مخاطره تعبیر کرده (ر.ک: تفلیسی، ۱۳۹٤: ۲۵۲) و دیدن مار را بر ده وجه تعبیر می‌کند که یکی از آن ها مرگ است (ر.ک: همان: ۱۰۱٦). در داستان راغب و مرغوب، شبی بهرام شاه، در خواب ماری می‌بیند که او را از تخت به زیرکشیده است. صبح چون برمی‌خیزد، تب بر وجودش مستولی شده و می‌میرد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۷۵). به گفتهٔ شایگان‌فر «ترسی ناخودآگاه از مار بین مردم اغلب کشورها وجود دارد که ظهور آن در خواب تعبیر دشمنی خطرناک دارد»(شایگان‌فر،۱۳۹۱: ۲٤۰).

در داستان یوسف و زلیخا، شبی یعقوب در خواب می‌بیند که دو گرگ یوسف را می‌ربایند. از وحشت، از خواب بیدار می‌شود؛ اما خواب خود را با کسی در میان نمی‌گذارد(ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۱۰۰). ابن سیرین، یکی از تعابیر خواب گرگ را کسی می‌داند که با وی خصمی و دشمنی کند (ر.ک: تفلیسی، ۱۳۹٤: ۸۹٤). خواب یعقوب، بعدها به دشمنی برادران در حق یوسف تعبیر شد. در همین داستان، پادشاه مصر خواب می‌بیند که هفت گاو چاق، هفت گاو لاغر را می‌خورند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۱۰۳) خواب پادشاه از جمله خواب‌هایی است که راست است چنانکه تفلیسی از چهار نوع خوابی که یاد می‌کند، درستر و راستر را خواب پادشاه

می‌داند و می‌گوید: «خواب پادشاهان را بر خواب رعیّت چندان فضل است که پادشاه را بر رعیت فضل بود»(تفلیسی، ۱۳۹۴: ۲۴) یوسف، خواب پادشاه را چنین تعبیر می‌کند:

«هفت گاو نیکو، هفت سال است و هفت گاو لاغر زشتی که بعد از آن‌ها برآمدند، هفت سال است. همانا هفت سال، فراوانی بسیار در تمامی زمین مصر می‌آید و بعد از آن‌ه، هفت سال قحطی به ظهور خواهد آمد که تمامی این فراوانی در زمین مصر فراموش خواهد شد و قحطی، ولایت را تلف خواهد نمود» (کتاب مقدس، ۱۳۸۸، آیات ۳۱-۲۷: ۸۰).

نقش قصّه‌گویی

«قصّه و افسانه کهن‌ترین اثر تراوش ذهن بشر است؛ افسانه قرن‌ها پیش از آغاز زندگانی تاریخی بشر پدید آمده‌است؛ از همین روی تنها روزنه نورانی و پرتو روشنگری است که به تاریک خانه قرون و اعصار قبل از تاریخ می‌تابد»(محجوب، ۱۳۸۲: ۱، ۱۲۴).

در داستان رتن و پدم، طوطی، هر شب داستان‌هایی از زیبایی پدم(پدومات) می‌گوید تا آنجا که رتن عاشق او می‌شود (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۹۵). طوطی در اینجا نقش واسطه نیز دارد؛ اما با توجه به خویش‌کاری اولیه و اصلی او که در این داستان قصّه‌گویی است، در نقشی جداگانه ذکر گردید. از این نقش تنها همین مورد یافت شد.

نقش اسطوره‌ای

برخی حیوانات با نقش اسطوره‌ای خود در منظومه‌های عاشقانه ظاهر می‌شوند. چنانکه «اژدها در اساطیر ملل، نگاهبان گنج پنهان، نماد شر و گرایش‌های شیطانی است»(محجوب، ۱۳۸۲: ۶۱۷-۶۷۷) بوکور پاسداری خزائن مخفی و سرّی را که در دل زمین نهان است، با مار مرتبط می داند(ر.ک: بوکور، ۱۳۷۶: ۷۰). در هفت پیکر، بهرام در شکار به دنبال گورخری، به دهانهٔ غاری می‌رسد که اژدهایی در آستانهٔ آن خفته است. بهرام با کشتن اژدها، وارد غار می‌شود و بر گنج فراوانی دست می‌یابد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۰۰۰).

سیمرغ از موجودات اسطوره‌ای است که در هفت اختر ظاهر می‌شود. سیمرغ که با مسئلهٔ تقدیر و سرنوشت مخالفت می‌کند؛ بر اثر داستانی که پیش می‌آید، به قضا و قدر ایمان می‌آورد (ر.ک: همان: ۹۹۱). در داستان زال و رودابه، زال شخصیتی است که پروردهٔ سیمرغ است. به عقیدهٔ زمردی «تصویر سیمرغ، ترکیب انسان-مرغ را خاطرنشان می‌سازد. انسان بالدار که رازآشنا و نجات‌بخش است»(زمردی، ۱۳۸۵: ۲۵۸).

نقش جادویی

«جادو عبارت است از تغییر یا گردانیدن ماهیت و صورت واقعی اشیا به امری غیر حقیقی یا خیالی و نشان دادن صوری که برخلاف واقع باشد؛ چنانکه گویی حقیقت شیء دگرگون شده‌است و گاه بر احداث امور عجیبه با استمداد از ارواح و شیاطین یا تأثیر کواکب و اجرام آسمانی اطلاق می‌شود»(مصاحب، ۱۳۸۳: ۱۲۷٦). در اسطوره و آیین آمده است که «جادوگرها یا ساحره‌ها، عموماً برای مقاصد شخصی عمل می‌کنند»(الیاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

پیکرگردانی و طلسم از موارد جادو است که در منظومه‌های عاشقانه دیده می‌شود:

«پیکرگردانی، دگرگونی یا جابه‌جایی به معنای تغییر شکل یا ماهیت یک چیز یا کس است که در اصطلاح، به (Metamorphoses) و (Transformation) تعبیر شده‌است و معنای آن تغییر شکل ظاهری و ساختمان و اساس هستی و هوّیت قانونمند شخص یا چیزی با استفاده از نیروی ماوراءالطبیعی است که امری غیرعادی و فراتر از توان انسان‌های معمولی است» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳ :٤۳).

رستگار فسایی به پیکرگردانی انسان به حیواناتی چون اژدها، آهو، بز، بوزینه، پرنده و... اشاره می‌کند (ر.ک: همان: ٤۳٤-٤۲٦). موارد تغییر شکل حیوانات که در منظومه‌ها یافت شد، پیکرگردانی انسان به حیوان، یا پریان به حیوان و یا حیوان به حیوان است.

در هشت بهشت، شاه در قالب طوطی به شهر خود بازمی‌گردد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۹۵۹). در داستان جمال و جلال، معشوق به شکل موجوداتی چون گوزن، طوطی، قمری، طاووس و هما در می آید و با عاشق(جلال) گفتگو می‌کند (ر.ک: همان: ۱۸۲). در داستان رام و سیتا، سورپ‌نکا بخاطر اهداف شخصی خود از ماریچ می‌خواهد به شکل آهویی طلایی درآید و نزد سیتا برود و او را بفریبد (ر.ک: همان: ۳۸۱). چنانکه ملاحظه می‌شود، پیکرگردانی در موارد اخیر با هدف اغراض شخصی انجام گرفته‌است.

گاه نیز پریان در قالب حیوانات درمی‌آیند. درمورد پری آمده است: «صاحب جادو و نماد قدرت‌های خارق‌العاده روح و یا ظرفیت‌های طرّارانهٔ تخیّل است که می‌تواند تغییر شکل دهد و در یک آن، بالاترین آرزوها را به ثمر رساند یا تغییر دهد»(شوالیه، ۱۳۸٤: ۲۱۸). پریان در منظومه‌های عاشقانه، در قالب حیواناتی چون آهو، گورخر، پرنده و گراز تجسّد می‌یابند که منظور همان «نمایان شدن در هیئت‌های مختلف است»(هینلز،۱۳۹۳ :۱٦۷). در داستان همایون و

لعل پرور، روزی همایون شاه در شکار به دنبال گوزنی به آهویی زیبا برمی‌خورد. به دنبال آهو به غاری می‌رود. غزال می‌گوید که آهو نیست، پریزاد است و گاه برای دیدار باغی که در پشت کوه است، به قالب آهو درمی‌آید (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۰۵۵). در داستان ملک‌زاد و نوش‌لب، شاهزاده، پرنده‌ای بی‌نظیر می‌بیند که هنگام پرواز تمام قصر را معطّر می‌کند. این مرغ که نوش‌لب نام دارد، دختر شاهنشاهی پریزاد است که مادرش او را به این شکل درآورده است (ر.ک: همان: ۷۸۲). در سام و پری‌دخت، گورخری از جنس پری پیدا می‌شود و سام به دنبال او راه را گم می‌کند (ر.ک: همان: ٤۳۱). در هفت پیکر، ماهان تا دست در گردن شاه پریان می‌آورد، او را عفریتی سیاه‌روی و گرازی وحشی می‌یابد (ر.ک: همان: ۱۰۰۹).

پیکرگردانی، گاه در مورد حیوان به حیوان است: در هفت پیکر، اسب ماهان به اژدهایی با دو پر، چهار پا و هفت سر بدل شده است (ر.ک: همان: ۱۰۰۹).

علاوه بر پیکرگردانی، طلسم نیز از مواردی است که در حوزه جادو قرار می‌گیرد. طلسم، ساختن صورتی از آدمیان، حیوانات، اشیا و فلزات است که برای رهایی از شرّ دیوان به کار می‌رود؛ چنانکه در اساطیر بین النهرین مردوخ در نبرد با تیامت، تعویذهایی میان دو لب داشت و بر این تعویذها، نقش دیوی که رهایی از او را می‌طلبیدند، حک می‌کردند (رک: بهار، ۱۳٦۲: ۳٦). اعتقاد به استفاده از طلسم در تمام ملل، دیده می‌شده است و برخی ریشهٔ آن را عربی و برخی یونانی دانسته‌اند (ر.ک: دهخدا، ۱۳۹۰: ذیل واژهٔ طلسم).

در داستان «بدرمنیر و بی‌نظیر»، ماهرخ‌پری، اسبی طلسمی به بی‌نظیر می‌دهد که در باغ گردش کند، او با اسب از باغ بدرمنیر می‌گذرد و عاشق بدرمنیر می‌شود (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳٤). اسب طلسمی در اینجا نقش میانجی‌گری نیز داشته است. در داستان سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال، سیف الملوک به کمک انگشتر جادو موفق می‌شود به اعماق دریا رود و صندوقی را که کبوتری درون آن است، بیرون آورد و با کشتن کبوتر طلسم شاهدخت را بگشاید (ر.ک: همان: ۵۳۷).

در داستان طاهر و زهره، طاهر از دیوار باغ چهلم، آواز حزین بلبلی را می‌شنود که نوای آدمیان دارد و از جدایی‌ها ناله می‌کند. بلبل علت بی‌قراری خود را نفرین الههٔ عشق می‌داند و می‌گوید: هرگاه الههٔ عشق، مرا در حال معاشقه بیند، نفسش آتش می‌شود و از میان شعله‌ها ساحره‌ای به هیبت آدمی و با سر مار ظاهر می‌شود. این طلسم را روزی یک عاشق خواهد

شکست. طاهر می‌گوید طلسم تو را من خواهم شکست که من همان عاشقم (ر.ک: همان: ٦٠٨).

نقش مانع

یکی از شخصیت‌های اصلی در داستان‌های عاشقانه، شخصیت مانع است. «مانع، شخص یا اشخاص یا مسئله‌ای است که در راه رسیدن عاشق به معشوق مانع ایجاد می‌کند» (واعظزاده، ۱۳۹۵: ۱۷۰). در برخی از منظومه‌های عاشقانه، این مانع مبارزه با حیوانی است که به عنوان شرط ازدواج تعیین می‌گردید. این شرط، از طرف پدر دختر یا از طرف دختر قرارداده می‌شد تا بدین طریق، میزان دلیری و شجاعت عاشق سنجیده شود. و گاهی نیز، هنگام مخالفت پدر دختر با خواستگاری خاص، کوششی برای ناکام گذاشتن خواستگار بود (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۹۱: ۸۲). در داستان لاس و خزال قادربیگ –پدرزن میرحسین– چون می‌خواهد او را از میان بردارد از او می‌خواهد شیری که در بیشه مهلکه راه مردم را گرفته است، بکشد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ٦٩٧). درگل و نوروز، گل، دختر قیصر روم است و قیصر، شرط دامادی دخترش را کشتن اژدها قرارداده‌است (ر.ک: همان: ٦٧٥).

نقش پیش‌برنده

برخی حوادث در داستان فرعی هستند و فقط نقش پیش‌برندگی دارند. «حوادث فرعی، حوادث کمکی هستند و نویسنده به یاری آن‌ها طرح داستان را گسترش می‌دهد: حلقه‌های آن را که همان حوادث اصلی هستند به هم می‌پیوندد و با استفاده از آن‌ها راه را برای وقوع حوادث اصلی هموار می‌کند و یا آن‌ها را کامل می‌کند» (یونسی، ١٣٦٩: ١٤٠–١٣٩).

در برخی موارد حیوانات، باعث پیش‌برد داستان می‌شوند و حادثه ای تازه می‌آفرینند؛ این حادثه ممکن است در پی صید و یا شکار رخ دهد:

در هفت اختر، حکایت صیادی است که ماهی عجیبی به دامش می افتد. وقتی شکم ماهی را می‌شکافد، پسری زیبا درون شکمش می‌یابد. پسر را به فرزندی می پذیرد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۹۹۰). شبیه این داستان، داستان دل و جان است. جان، وقتی خبر غرق شدن کشتی دل را می‌شنود، خود را به دریا می‌اندازد. ماهی‌ای او را در کام خود فرو می‌برد. پادشاهی، این ماهی را صید کرده، متوجه می‌شود دختری در شکم ماهی است. دختر را نجات می‌دهد و چون دختر خویش از او مراقبت می‌کند (ر.ک: همان: ۳۵۲). در داستان زیبا و نگار، نگار، تیری را به

پرنده‌ای که بر درخت خانه زیبا نشسته، پرتاب می‌کند. تیر در حیاط خانه می‌افتد. نگار، برای داشتن تیر به حیاط می‌رود و ناگاه با زیبا روبه رو می‌شود؛ اما مواظب است تا مادرش از رابطهٔ آن‌ها آگاه نشود (ر.ک: همان: ٤٢٦-٤٢٥). در داستان بهرام و گل‌اندام، بهرام در شکار به دنبال آهویی، راه را گم می‌کند و هفت شبانه روز در بیابان سرگردان می‌ماند، پس از آن به کوهی می‌رسد. وارد گنبدی که بالای کوه است می‌شود و تصویر دختر شاه چین را می‌بیند و عاشق او می‌گردد (ر.ک: همان: ١٥٤). دراین داستان‌ها، معمولاً آهویی در مسیر فرد قرار می‌گیرد و فرد به دنبال او در مسیر تازه‌ای می‌افتد و حادثه‌ای تازه رخ می‌دهد که این حادثه، معمولاً ماجرایی عشقی است: در داستان شاهد و عزیز، روزی شاهد برای شکار به جنگل می‌رود. غزالی زیبا می‌بیند و او را دنبال می‌کند. از همراهان دور افتاده، گذارش به روستایی می‌افتد که دخترانی برای برداشتن آب، گرد چاه حلقه زده‌اند. تشنگی، او را بر سر چاه می‌کشاند. دختری زیبا می‌بیند و دل به او می‌بندد (ر.ک: همان: ٥٤٤) در ناظر و منظور، منظور، آهویی را بر فراز کوهی می‌بیند و چون از پی آهو می‌رود و او را نمی‌یابد، به سوی لشکر باز می‌گردد. در راه بازگشت ناظر را سوار بر اسب می‌بیند و دلبستهٔ او می‌شود(همان: ٨٥٨).

به نظر می‌رسد گاه حیوان برای نمایش سختی‌های راه، وارد ماجرا می شود؛ چنانکه در ذیل به خستگی، گرفتاری و مسائل و مشکلاتی که بر سر راه فرد است، اشاره شده‌است: در داستان نل و دمن، دمن در غم جدایی نل، در راهی می‌رود و گرفتار ماری می‌شود و چون با سپاهی حرکت می‌کند، پیلان به سپاه حمله‌ور می‌شوند و دمن خسته راه خود را ادامه می‌دهد (ر.ک: همان: ٨٧٩-٨٧٨). در داستان مهر و مشتری، مهر در راه رسیدن به خوارزم، گرفتار شیری می‌شود و او را می‌کشد (ر.ک: همان: ٨٣٤). در داستان ناز و نیاز، ناز و نیاز در سفر به دریایی مهیب نهنگی را هلاک می‌کنند (ر.ک: همان: ٨٥٠).

نقش سببی (عامل مرگ)

یکی از کنش‌های داستان، کنش علت و سبب است که «بهانهٔ روایت داستان و شکل‌دهی به انگیزه‌های شخصیت‌ها را برای کنش‌های بعدی فراهم می‌سازد و در واقع باعث زنجیره‌ای از کنش‌ها می‌شود. این کنش بسیار متنوّع است»(محمدی، ١٣٧٨: ٢٣١).

در منظومه‌های عاشقانه، گاه حیوانات کنشی سببی دارند و سبب مرگ قهرمان یا شاه و... می‌شوند: در داستان خسرونامه، افعی سهمناکی در شکارگاه به خسرو نیش می‌زند و خسرو

می‌میرد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲٦). در داستان ویس و رامین، موبد به قصد جنگ با رامین به دیلم می‌رود. در راه آمل و هنگام باده‌گساری، گرازی به آنان حمله می‌کند و شاه را هلاک می‌کند (ر.ک: همان: ۹٤٤). در داستان همای و گل‌کامکار، گل‌کامکار در طلب آب به آبخوری می‌رسد و در آنجا جوانی را می‌بیند که با خدنگی اژدهایی را از پای درآورده و خود از شدت زخم جان می‌دهد (ر.ک: همان: ۱۰۷۱). در داستان خج و سیامند، خج، چهل و یک گاو کوهی را می‌بیند که یکی لاغرتر است و بر گاوان پیشی گرفته، به آن‌ها زور می‌گوید. خج به سیامند می‌گوید آن گاو لاغر تویی و چهل گاو دیگر، برادران من‌اند و تو باید با آن‌ها بجنگی. سیامند با گاو مبارزه می‌کند و کشته می‌شود (ر.ک: همان: ۲٦٤). بدین گونه اژدها، افعی، گاو و گراز سبب مرگ شده‌اند.

جدول بسامدی نقش‌های حیوانات

در این جدول از نقش‌های بلاغی حیوانات به‌دلیل گستردگی آن در ادبیات فارسی و نقش کاربردی به دلیل نقش واقعی و حقیقی حیوانات چشم‌پوشی شده و دیگر مواردی که مساوی و بیش از سه مورد بوده بارز شده‌است.

کبوتر با نقش‌های پیام‌رسان، میانجی‌گری، عاطفی، پیش‌گویی و جادویی بیشترین تنوع نقش را دارد. و «آهو» در نقش‌های میانجی‌گری، عاطفی، پیکرگردانی و پیش‌برنده بیشترین بسامد را دارد. لطافت و ظرافت آهو و کبوتر دلیل مناسبی است برای کاربرد بسیار آن‌ها در منظومه‌های غنایی که زبان لطیف و فضای آرام از مؤلفه‌های آن است. جدای از این مسئله، کارکرد هریک از حیوانات در منظومه‌های عاشقانه متناسب با نوع حیوان است. برای نمونه «شیر» که در ادبیات فارسی بیشتر در متون حماسی کاربرد دارد در متون عاشقانه متناسب با این فضا ظاهرمی‌شود.

پیام‌رسان	میانجی‌گری	عاطفی	پیش‌گویی و غیب‌گویی	پزشکی	یاریگری	خواب و تعبیر	قصه‌گویی	اسطوره‌ای	جادویی			مانع	پیش‌برنده	عامل مرگ
									طلسم	پیکرگردانی				
اسب	شاهین	طوطی	مرغ	مار	مار	عقاب	طوطی	اژدها	اسب طلسمی	حیوان به حیوان	پریان به حیوان	شیر	ماهی ۲	افعی
											انسان به حیوان			

هدهد	آهو	مرغ	بلبل		بوزینه		مار۲		سیمرغ		کبوتر	اسب به اژدها	آهو	طوطی۲	اژدها	پرنده	گراز
زاغ	اسب	آهو	شاه ماهی		اسب		گرگ				بلبل		گورخر	گوزن		آهو۳	اژدها
کبوتر	کبوتر	کبوتر۲	مرغ سبز		گرگ		بلبل						پرنده	قمری		مار	گاو
مرغ		ماهی۲	کبوتر		کبک		مرغ سبز						گراز	طاووس		شیر	
		دارکوب			طوطی		گاو							هما		نهنگ	
		کبک			باز									آهو		فیل	
		گوزن			پرنده												

مثلا در جدول فوق «شیر» در نقش مانع ظاهرشده که مبارزه با آن شرط رسیدن به معشوق آمده‌است و یا اینکه «شیر» و «آهو» هر دو در نقش‌های پیش‌برنده ظاهرشده‌اند؛ اما در مقایسه این دو حیوان در این نقش متوجه می‌شویم مواردی که آهو داستان را پیش می‌برد حادثه‌ای تازه رخ می‌دهد که معمولاً ماجرایی عشقی را درپی دارد؛ اما شیر برای نمایش سختی‌های راه، وارد ماجرا می شود؛ اگرچه این راه نیز راه رسیدن به معشوق است. بیشترین نقش‌آفرینی در یک نقش، از آنِ آهو است در نقش پیش‌برنده که در سه منظومه ظاهرشده‌است.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد به جز نقش‌های بلاغی که شامل تشبیه، استعاره، نماد و ... می‌شود؛ نقش‌های ابزاری، پیام‌رسانی، میانجی‌گری، عاطفی، پیش‌گویی و غیب‌گویی، پزشکی، یاریگری، خواب و تعبیر، قصّه‌گویی، اسطوره‌ای، جادویی، مانع، پیش‌برنده و سبب و عامل مرگ، از جمله نقش‌هایی است که برای حیوانات در منظومه‌های عاشقانه ذکر شده‌است.

براساس جدول ارائه‌شده در مقاله بارزترین نقش، نقش عاطفی و یاریگری است که از این دو، نقش عاطفی از بسامد بیشتری برخوردار است و می‌توان به این نکته اشاره‌کرد که همانطور که عاطفه و احساس نقش کلیدی در شکل‌گیری ادبیات غنایی دارد، کاربرد بسیار نقش عاطفی حیوانات نیز در منظومه‌های عاشقانه قابل توجیه است. جدای از این مسئله یکی از عللی که می‌توان برای حضور حیوان در نقش عاطفی بیان کرد، این است که در فضای داستان‌های عاشقانه، عاشق و معشوق برای درد دل و رازگویی، کسی را محرم‌تر و رازنگه‌دارتر از حیوانات نمی‌یابند و در حقیقت کارکرد بسیار نقش یاریگری حیوان نیز با بی‌پناهی عاشق و معشوق و پناه‌جستن و یاری‌خواستن از حیوانات در ارتباط است.

به‌نظر می‌رسد کارکرد حیوانات در خدمت فضاسازی عاشقانه و در ارتباط با پروراندن داستان‌ها مدنظر بوده‌است. تناسب و هماهنگی هریک از عناصر داستانی با نوع ادبی نیز قابل توجّه است؛ به عنوان نمونه لطافت و ظرافت آهو و کبوتر دلیل مناسبی است برای کاربرد بسیار آن‌ها در منظومه‌های غنایی که زبان لطیف و فضای آرام از مؤلّفه‌های آن است. در این تحقیق بیشترین تنوع نقش از آن کبوتر است که در نقش‌های پیام‌رسانی، میانجی‌گری، عاطفی، پیش‌گویی و جادویی ظاهرشده است. همچنین بیشترین بسامد نقشی از آن «آهو» است که در نقش‌های میانجی‌گری، عاطفی، پیکرگردانی و پیش‌برنده آمده است.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۱). *طومار نقالی شاهنامه*، تهران: به نگار.

الیاده، میرچا و دیگران. (۱۳۸۸). *اسطوره و آیین از روزگار باستان تا امروز*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره.

انوشه، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگنامهٔ ادبی فارسی: گزیدهٔ اصطلاحات، مضامین وموضوعات ادب فارسی، دانشنامه ادب فارسی(۲)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

باباصفری، علی‌اصغر. (۱۳۹۲). *فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

باوری، سیما. (۱۳۹۲). *نشانه‌شناسی جانوران آیین مهر*، تهران: کلک سیمین.

بروستر، اسکات. (۱۳۹۵). *شعر غنایی*، ترجمهٔ رحیم کوشش، تهران: انتشارات سبزان.

بوکور، مونیک دو. (۱۳۷۶). *رمزهای زنده جان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.

بهار، مهرداد. (۱۳۶۲). *پژوهشی در اساطیر ایران پارهٔ نخست*، تهران: توس.

بیگ‌باباپور، یوسف و حسین شادمان. (۱۳۹۷). *دانش‌نامه خواص حیوانات (در آثار دانشمندان دوره اسلامی)*، تهران: منشور سمیر با همکاری بنیاد شکوهی.

تفلیسی، ابوالفضل حبیش بن ابراهیم. (۱۳۹۴). *کامل التعبیر*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

جابز، گرترود. (۱۳۹۵). *فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور*، ترجمه محمّدرضا بقاپور، تهران: نشر اختران.

ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۲). *یکصد منظومه عاشقانهٔ فارسی*، تهران: نشر چرخ.

رزمجو، حسین. (۱۳۷۴). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: آستان قدس رضوی.

رستگارفسایی، منصور. (۱۳۸۰). *انواع شعر فارسی*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.

رستگارفسایی، منصور. (۱۳۸۳). *پیکرگردانی در اساطیر*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

زمردی، حمیرا. (۱۳۸۵). *نقد تطبیقی ادیان و اساطیر*، تهران: زوار.

شایگان فر، حمیدرضا. (۱۳۹۱). *نقد ادبی*، تهران: حروفیه.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). *انواع ادبی*، تهران: فردوس.

شوالیه، ژان و آلن گربران. (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایلی، تهران: انتشارات جیحون.

شهیدی، سیدجعفر، سلطانی، اکرم، مهرکی، ایرج، ستوده، غلامرضا.(۱۳۹۰). *فرهنگ متوسط دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عبداللهی، منیژه. (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی*، تهران: پژوهنده.

عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر. (۱۳۷۸). *قابوسنامه*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فلسفی‌نژاد، مسعود. (۱۳۹۴). *نقش تمثیلی حیوانات در آثار برجسته ادبیات فارسی*، تهران: رازبان.

قلی‌زاده، خسرو. (۱۳۹۲). *دانشنامه اساطیری جانوران و اصطلاحات وابسته*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید. (۱۳۸۸). ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران: اساطیر.

محجوب، محمدجعفر، ذوالفقاری، سیدحسن. (۱۳۸۲). ادبیات *عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)*، تهران: نشر چشمه.

محمدخانی، علی اصغر و محمود فتوحی. (۱۳۸۵). *شوریده‌ای در غزنه (اندیشه‌ها و آثار حکیم سنایی)*، تهران: انتشارات سخن.

محمّدی، محمّد. (۱۳۷۸). *فانتزی در ادبیات کودکان*، تهران: نشر روزگار.

مختاری، مسروره و جعفر جباری. (۱۳۹۷). *بررسی رمان پل معلق محمدرضا بایرامی*، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۳). *دایرةالمعارف فارسی*، تهران: امیرکبیر.

مک کال، هنریتا. (۱۳۷۹). *اساطیر بین النهرینی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

هینلز، جان راسل. (۱۳۸۳). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، تهران: اساطیر.

یونسی، ابراهیم. (۱۳۶۹). *هنر داستان‌نویسی*، تهران: انتشارات نگاه.

مقالات

پورنامداریان، تقی. (۱۳۸٦). انواع ادبی در شعر فارسی. *پژوهش‌های دستوری و بلاغی*، ۲ (۳)، ۷-۲۲. doi: 10.22091/jls.2007.389

ذاکری، احمد، و جماران، فایزه. (۱۳۸۹). حیوانات در آثار سعدی. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۲ (٦)، ۲۹-٥٦.

زنگانه، حسین، و مهرکی، ایرج. (۱۳۹۹). خاقانی و باورهای عامیانه دربارهٔ جانوران. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۲ (٤٤)، ۱۲۷-۱٦۱. doi: 10.30495/dk.2020.675979

طاهری عبده‌وند، ابراهیم، و صفری، جهانگیر. (۱۳۹۱). بررسی نمود برخی حیوانات و پرندگان در شعر ناصرخسرو. *ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد*، ٦ (۲٦)،۸۳-۱۱۰.

محمودی، مریم، و الیاسی، رضا. (۱۳۹۶). نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب‌المجالس. *متن-شناسی ادب فارسی*، ۹(۴)، ۵۷-۷۰. doi: 10.22108/rpll.2017.77436

واعظزاده، عباس. (۱۳۹۵). رده‌بندی داستان‌های عاشقانهٔ فارسی. *نقد ادبی*، ۹(۳۴)، ۱۵۷-۱۸۹. dor: 20.1001.1.20080360.1395.9.34.5.3

References

Books

Quran. [In Arabic]

Abdollahi, M. (2002). *Dictionary of Animals in Persian Literature*, Tehran: Pajouhandeh. [In Persian]

Aidenloo, S. (2012). *Shahnameh Narration Scroll* , Tehran : Beh Nega. [In Persian]

Anousheh, H. (2002) .*Persian Literary Dictionar: Selection of Terms, Themes and Subjects of Persian Literature, Encyclopedia of Persian Literature (2)* ,Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

Babasfri ,A. A. (2013). *Culture story of love in Persian literature*, Tehran : Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Bahar, M. (1983). *A Study in Iranian Mythology Part 1*, Tehran: Toos . [In Persian]

Bavari, S. (2013). *Semiotics of Mehr Animals*, Tehran: Kelk Simin. [In Persian]

Beaucorps, M. D. (1997). *The Les symbols vivants* Trans. Jalal Sattari, Tehran : Markaz Publishing. [In Persian]

Beyg Babapour, Y. & Shadman H. (2018). *Encyclopedia of Animals properties (in the works of Islamic scholars)*, Tehran: Manshoure Samir collaboration with Bonyad-e Shokouhi. [In Persian]

Brewster, S. (2016). *Lyric Poetry*. Trans. Rahim Kooshesh, Tehran : Sabzan Publications. [In Persian]

Chevalier, J. & Alan Gerbran. (2000). *Dictionnaire des Symboles* ,published by Soodabeh Fazaeli, Tehran: Jeyhun Publications. [In Persian]

Eliadeh, M. (2009). *Myth and Religion from Ancient Times to the Present*, published by Abolghasem Esmailpour, Tehran: Myth. [In Persian]

Falsafi Nejad, M .(2015). *The role of allegorical animals in great works of Persian literature*, Tehran: Razban. [In Persian]

Gholizadeh, Kh. (2013). *Mythological Encyclopedia of Animals and Related Terms*, Tehran: Parseh Book Translation and Publishing Company. [In Persian]

Hinnells, J. R. (2004).*Understanding Persian Mythology* Trans. Mohammad Hossein Bajlan Farokhi, Tehran: Mythology. [In Persian]

Jobs, G. (2016). *Dicionary of Mythology Folklore and Symbols.*Trans. Mohammad Reza Baghapour, Tehran: Akhtaran Publishing. [In Persian]

Mahjoub, M. J. Zolfagari, H. (2003). *folk literature of Iran (Proceedings of the legend and customs of the people of Iran),* Tehran: Cheshmeh Publication. [In Persian]

McCall, H. (2000). *Mesopotamian Myths*, Trans. Abbas Mokhber, Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]

Mohammad khani, A. A. & Fotouhi, M. (2006). *Shurideh in Ghazni (Thoughts and Works of Hakim Sanai),* Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]

Mohammadi, M. (1999). *Fantasy in Children's Literature,* Tehran: Roozgar Publishing. [In Persian]

Mokhtari, M. & Jabbari, J. (2015). *A Study of Mohammad Reza Bayrami 's Suspended Bridge Novel* , Tehran: Soureh Mehr Publishing Company. [In Persian]

Mosaheb, Gh. H. (2004). *Persian Encyclopedia*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]

Onsor-al-Maali, K. I. S. (1999). *Qaboosnameh*, correction by Gholam Hosein Yousefi, Tehran: Scientific and cultural publications. [In Persian]

Rastegar Fasaei, M. (2001). *Types of Persian Poetry,* Shiraz: Navid Shiraz Publications. [In Persian]

Rastegar Fasaei, M. (2004). *Sculpture in Mythology*, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Razmjoo, H. (1995). *Literary types and their works in Persian language* , Mashhad: Astan Qods Razavi. [In Persian]

Shahidi, S. J., Soltani, A., Mehraki, I., Sotoudeh, G. R. (2010). *Middle culture Dehkhoda*, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]

Shamisa, S. (1994). *Literary Types*, Tehran: Ferdows. [In Persian]

Shayeganfar, H. R. (2012). *Literary Criticism*, Tehran: Horoufiyyeh. [In Persian]

Teflisi, A. H. I. E. (2015). *Kamel al-Ta'bir*, Tehran: Written Heritage Research Center. [In Persian]

The Bible: Old and New Testaments. (2009). published by Fazel Khan Hamedani, William Glenn and Henry Martin, Tehran: Myths. [In Persian]

Younesi, E. (1990). *The Art of Fiction*, Tehran: Negah Publications. [In Persian]

Zolfaghari, H. (2013). *One Hundred Persian Love Poems*, Tehran: Charkh Publishing. [In Persian]

Zomorrodi, H. (2006). *Comparative Critique of Religions and Myths*, Tehran: Zavvar. [In Persian]

Articles

Mahmoodi, M., & Elyasi, R. (2017). Animal Symbolism in the Book *TarabolMajales*. *Textual Criticism of Persian Literature*, *9*(4), 57-70. doi: 10.22108/rpll.2017.77436. [In Persian]

Pour Namdarian, T. (2007). Genres of Persian poetry. *Rhetoric and Grammar Studies, 2*(3), 7-22. doi: 10.22091/jls.2007.389. [In Persian]

Taheri Abdo-Vandeh, I., & Safari, J. (2011). Examined some animals and birds in Nasser Khosrow's poetry. *Shahrekord University Literature and Humanities, 6*(26), 110-83.[In Persian]

Waezzadeh A. (2016). The Morphology and Typology of Persian Love Stories. *LCQ, 9*(34), 157-189. [In Persian]

Zakeri, A., & jamaran, F. (2011). Animals' role in the Saadi. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, *2*(6), 29-56. [In Persian]

Zanganeh, H., & Mehraki, I. (2020). Khaghani and Folk Beliefs About Animals. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, *12*(44), 127-161. doi: 10.30495/dk.2020.675979.[In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی